

گزارش

درباره از پیشنهاد بازگشایی مدارس در شرایط کرونایی در روزنامه گاردین

آسیب حضور کودکان در مدرسه از حضور نداشتن شان کمتر است

[شهروند] از همان روزهایی که زمزمه‌های شیوع ویروس کرونا در جهان پیچید، نگرانی‌ها برای سرنوشت کودکان هم افزایش پیدا کرد. تحقیقات نشان می‌دادند که کودکان به ویروس کرونا مبتلانی‌شوند، اما هرچه می‌گذشت مشاهدات می‌گفتند که اتفاقاً کودکان هم می‌توانند در معرض ویروس تاجدار قرار بگیرند. از نخستین اماکنی که بنای ادامه کارشان به دورکاری و حضور فیزیکی نداشتن گذاشته شد، مدارس بودند. مدیران، معلمان و کادر آموزشی از یک سو و والدین و دانش‌آموزان از سویی دیگر نگران اشاعه ویروس بودند که ممکن بود هر آن آنها را از پای درآورد. این نگرانی‌ها تنها متوجه کشور ایران نبود. کشورهای دیگر از جمله انگلیس هم درگیر مسائلی بودند که از باز و بسته‌بودن مدارس در کشورشان نشأت می‌گرفت. گاردین در گزارشی به نمونه‌هایی از این مسائل اشاره کرده است. لی هادسون، مشاور رئیس بهداشت و متخصص اطفال درباره این موضوع در گاردین نوشته است: «قابل درک است که والدین نسبت به سلامت فرزندان شان نگران باشند، از طرفی هم اینکه معلمان نخواهند ریسک بزرگ حضور در مدرسه را بپذیرند، برای همه ما قابل فهم است.» او که خود را پزشکی معرفی می‌کند که این روزها درگیر درمان کودکان و جوانان درگیر ویروس کووید-۱۹ بوده و از طرفی هم از کودکان در حوزه‌های سلامت روان نگهداری می‌کرده است، می‌گوید: «همچنان که آنفلوآنزا بیشتر انگلیس را به تعطیلی کامل کشانده بود، حالا ویروس کرونا هم انگلیس را به بن بست منتهی کرده است، بن بست که راه چاره آن تعطیل کردن مدارس است.»

هرچند که هنوز مشخص نیست کودکان تا چه اندازه می‌توانند درگیر ویروس کرونا شوند، اما معادله حضور بچه‌ها در مدرسه و احتمال ابتلای آنها هنوز به جوابی نرسیده و یک مسأله نگران‌کننده باقی مانده است. مطالعات نشان می‌دهد که هرچه جمعیت در یک محدوده زیاد باشد، احتمال ابتلای افراد به ویروس بیشتر خواهد بود. اما از سویی دیگر غربالگری‌های سازمان ONS و نمونه‌گیری از حدود ۱۰ هزار خانواده در انگلستان نشان داده که هیچ تفاوتی میان مثبت‌شدن تست کرونای کودکان دو تا نوزده ساله و سایر گروه‌ها در ابتلا به ویروس کرونا وجود ندارد. البته باید توجه کرد که از میان تمام تست‌های گرفته شده تنها ۳۳ نفر مبتلا به ویروس کرونا بودند که این آمار بسیار پایینی است.

اما در همان روزهای ابتدایی شیوع ویروس کرونا دانشمندان اعلام کردند که کودکان می‌توانند ناقل ویروس کرونا باشند. آنها ممکن است همچنان که مبتلا به کووید-۱۹ هستند، هیچ علامت و نشانه خاصی مبنی بر ابتلا نداشته باشند. اما هیچ‌کدام از این ادعاها نشان نمی‌دهد که کودکان ناقلان سریع‌تری نسبت به جوانان هستند.

هادسون اما در بخش دیگری از این مقاله اشاره کرده که طبق مشاهدات خودش، کودکان به کرونا مبتلا می‌شوند، اما تعداد مبتلایان به سندرم التهابی ناشی از کرونا کم تعداد بوده است. همچنین میزان مرگ‌ومیر در جوانان و کودکان نادر بوده است. بعضی از کودکان و خانواده‌ها در انگلستان در محیط‌های خانوادگی تحت فشار زیادی قرار دارند و ما می‌دانیم که دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و اجتماعی کاهش یافته است.

بحث سلامت روان کودکان مسأله دیگری است که در مقاله گاردین به آن اشاره شده است. تحقیقات نشان می‌دهد که از هر هشت کودک، یک نفر به اختلال سلامت روان مبتلاست. این اختلال می‌تواند با حضور کودکان در مدارس کمتر یا بیشتر شود اما دست‌کم خدمات روانی به آنها ارائه می‌شود. از طرف دیگر مدارس نقش مهمی در رفاه همه کودکان و نوجوانان بازی می‌کنند. به‌حدی که تأکید بر مداخلات اولیه و معالجه سلامت روان در مدرسه بخش مهمی از برنامه بلند مدت NHS بود. اما اهمیت مدرسه تنها متوجه معلمان و کودکان آسیب‌پذیر نیست. به مدرسه نیامدن اما برای بسیاری از کودکان آسیب‌پذیر می‌تواند به مثابه یک فاجعه قلمداد شود. فاجعه‌ای که احتمالاً در آینده تأثیر خود را بیش از پیش نشان می‌دهد.

برای حضور کودکان در مدرسه احتمالاً چالش‌های بسیاری پیش‌رو است. از خطر احتمال ابتلا به کرونا بگیرد تا مزوی شدن آنها که در خانواده فرد مبتلا به کرونا داشته‌اند.

هادسون پیشنهاد داده است که بازگشت باید مرحله به مرحله با نظارت دقیق باشد و هرگاه خطری پیش‌رو مشاهده شد، عقب کشیده شود. کسانی که در برابر خطر آسیب‌پذیرترند باید بیشتر تحت مراقبت قرار گیرند. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در شرایط پاندمی کرونا در انگلستان و البته سایر کشورها مورد توجه بود، آسیب به گروه‌های کم‌صدایی مانند سالمندان و کودکان بود. از نظر من بازگشت کودکان به مدرسه می‌تواند از عواقب مدرسه نرفتن کودکان بهتر باشد. البته همان بازگشتی که به آن اشاره کردم. بازگشتی ساختارمندانه و مرحله به مرحله که از منظر بهداشتی هم بتواند کارآمدی خود را داشته باشد. البته این نظر من است. □



شهروند

گزارشی درباره برگزاری غیرحضوری مراسم ختم مردگان در ایام کرونا

در اینستاگرام برای مردگان گریه می‌کردیم

[سوک دانانی] می‌گویند خاک سرد است. از قدیم می‌گفتند. از قدیم می‌گفتند بعد از مرگ عزیز، دیدن خاکسپاری او داغ بازماندگان را کم می‌کند. می‌گفتند گریه کردن در مراسم سوم و هفتم و چهلمش، جان را سبک می‌کند. قدیمی‌ها فکر می‌کردند وقت مرگ عزیز باید کنار بازمانده‌هایش ماند. باید مجبورشان کرد گریه‌کنند، باید این قدر برایشان ذکر مصیبت خواند تا رفته‌رفته قلب‌شان رقیق شود. باید این قدر دم به دم گریه‌هایشان آمد که آرام‌شان کم شود. شاید اگر فروردین ۹۹ هم می‌شد حرف قدیمی‌ها را جدی گرفت، دردهای زهرا ۵۰ روز بعد از مرگ شوهرش کم می‌شد. شاید اگر دوستان و آشناهایش از سمنان سرغش را گرفته بودند، بعد از گذشت ۵۰روز به زهرا قبل از مرگ شوهر نزدیک‌تر می‌شد. اما نشد؛ گهگاهی، زنگی، پیام تصویری از دوستانش حکم مراسم سوم و هفتم و چهلم را پیدا کرد. چهار دیوار خانه گریه‌هایش را دیدند و اسباب اتاق‌ها حکم آنها را پیدا کردند که قرار بود دم به دم گریه‌هایش بگذارند تا او سبک شود. اما نشد.

هشدارهای سوگ ابراز نیافته

روز اول فقط دو نفر بودند، آنها را برای همیشه گرفته بود. رفته‌رفته عدد روی عدد آمد، عددهایی که فقط قرانت می‌شدند بدون اینکه حسی در قرانت‌شان باشد. تا لحظه نگارش این گزارش ۸ هزار و ۲۸۱ نفر را کرونا کشته است. آدم‌هایی که هرکدام خانواده‌ای داشتند و دوستانی و آشنایانی، پروتکل‌های وزارت بهداشت می‌گفت تنها اعضای درجه یک خانواده حق ورود به قبرستان را داشتند. مساجد، تالارها و رستوران‌ها بسته شدند. ترس از مرگ سایه انداخته روی سردوستان و آشنایان و بازماندگان. کسی طالب دیدار نبود. در آن سوا ماه هشدار پشت هشدار بود. هشدار اول را جامعه‌شناسان، روانپزشکان و روانشناسان دادند. «در ایام کرونایی خانواده‌های داغدار محدودیت‌هایی دارند. ترس از انتشار ویروس توسط پیکر متوفی سبب محدودیت در فرآیند تدفین و خداحافظی با فرد از دست‌رفته می‌شود. از دیگر سو امکان برگزاری مراسم سوگواری معمول و جمع‌شدن افراد در مراسم سوم، هفتم، چهلم و رفت‌وآمد دوستان و نزدیکان از بین رفته است. هیجانات منفی و دردناک باید توسط روان انسان حل و فصل شود. در صورتی که شرایط هضم یا حل و فصل هیجانات منفی فراهم نباشد، زمینه برای بروز فرآیند سوگ پیچیده یا ابراز نشده، فراهم خواهد شد.» اینها را مریم رسولیان، رئیس انجمن روانپزشکان ایران پانزدهم فروردین به ایلنا گفته و هشدار داده بود که سوگ ابراز نیافته می‌تواند به بیماری مهلک روانی بدل شود. اما چند روز بعد کیانوش جهانپور، سخنگوی وزارت بهداشت درباره شیوع سندرم سوگ ابراز نیافته هشدار داد و از روانشناسان برای درمان آن کمک خواست.

در انزوا و آنلاین گریه کردن

کارگروه‌ها یکی پس از دیگری در وزارت بهداشت تشکیل شدند، روانشناس، جامعه‌شناس و روانپزشک، هرچند محدودیت روزهای ابتدای شیوع ویروس کرونا کمتر می‌شد، اما آمار مرگ‌ومیر، مردم را نگران کرده بود. شدت نگرانی‌ها، انزوا را به مردم یاد داده بود. در انزوا به کنسرت آنلاین رفتن، در انزوا به کلاس درس آنلاین رفتن، تنهایی و اینترنتی در موزه‌های دنیا سرک کشیدن. راه حل کارگروه‌های روان هم ایجاد زمینه‌ای برای سوگواری آنلاین بود. در انزوا برای هر عزیز که مرده، در اینترنت گریه کردن.

تسهیل‌گران سوگواری آنلاین

سرانجام شیوه‌نامه‌ای ایجاد شد. هلال احمر در ابتدا پای کار آمد و برای از دست‌رفتن مراسم سوگواری برگزار کرد. سوگواری آنلاین در تهران هم به‌زعم کارشناسان به صورت آزمایشی اجرایی شد. شهرداری تهران شده بود تسهیل‌گر این نوع سوگواری‌ها. «این مراسم با همکاری اداره کل سلامت شهرداری تهران انجام می‌شد. به مناطق مختلف شهرداری تهران اعلام کرده بودیم با خانواده‌هایی که عزیزان‌شان را از دست دادند، تماس بگیرند و مطلع شوند که آیا برای برگزاری مراسم سوگ آنلاین تمایل دارند یا نه؟» اینها را مهدی قربانی، معاون اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران به «شهروند» می‌گوید. «بعضی از خانواده‌ها اعلام آمادگی کردند و بعضی دیگر تمایلی به اجرای این مراسم نداشتند، مواردی هم بود که خود خانواده‌ها تماس می‌گرفتند و می‌خواستند که برایشان مراسم برگزار کنیم.» قربانی می‌گوید که بعضی مناطق شهرداری مثل منطقه ۸ و ۱۳ جزو نخستین مناطقی بودند که برای سوگ آنلاین اقدام کردند.

لایوهایی به ۲۰ مخاطب

سوگ آنلاین فرآیندی مدرن بود. این را مرتضی شیریک، مدیر فرهنگی شهرداری منطقه ۱۳ در ابتدای صحبت‌هایش می‌گوید. «سه نفر از اعضای درجه یک خانواده را

برای برگزاری مراسم بین هیچ خانواده‌ای اجبار نداشتیم، استقبال میان خانواده‌ها هم طوری بود که چند نفر از اعضای یک خانواده می‌آمدند اما در لایو

اینستاگرام معمولاً تا ۲۰ نفر هم بازدید داشتیم. اغلب هم آشنایان فرد بودند زیرا ما از قبل اعلام می‌کردیم که قرار است چنین مراسمی را برگزار کنیم و آنها در ساعت معین آنلاین می‌شدند و آن را می‌دیدند

دعوت می‌کردیم، در یکی از سراهای محله منطقه، یک قاری قرآن، یک سخنران و یک مداح را دعوت می‌کردیم، در ابتدای مراسم تصویر فرد متوفی را با شمع و خرما جلوی سخنران می‌گذاشتیم و از زمان شروع مراسم، لایو اینستاگرام را روشن می‌کردیم تا اعضای دورتر خانواده متوفی و حتی آشنایان و دوستانش مراسم را به صورت زنده تماشا کنند. از اعضای درجه یک خانواده می‌خواستیم با رعایت فاصله اجتماعی در کنار یکدیگر بنشینند. «شیریک می‌گوید تاکنون برای چهار خانواده در روزهای مختلف هفته سوگ آنلاین برگزار کرده‌اند. او می‌گوید: «برای برگزاری مراسم بین هیچ خانواده‌ای اجبار نداشتیم، استقبال میان خانواده‌ها هم طوری بود که چند نفر از اعضای یک خانواده می‌آمدند اما در لایو اینستاگرام معمولاً تا ۲۰ نفر هم بازدید داشتیم. اغلب هم آشنایان فرد بودند زیرا ما از قبل اعلام می‌کردیم که قرار است چنین مراسمی را برگزار کنیم و آنها در ساعت معین آنلاین می‌شدند و آن را می‌دیدند.» شیریک البته می‌گوید که این مراسم تنها در ماه رمضان اجرا شده زیرا زمان شیوه‌نامه تا همان تاریخ بوده، تا آخر اردیبهشت ماه، مراسم ۳۰ تا ۴۵ دقیقه برای خانواده متوفی برگزار می‌شد.

۵۰ دقیقه گریه کردیم

علی یکی از کسانی است که در زمان شیوع ویروس کرونا، دوستش را که پارکبان بود از دست داد. او به «شهروند» می‌گوید در مراسم سوگ آنلاین که منطقه ۱۳ برای محمد برگزار کرد، حضور داشته زیرا خانواده محمد از سوگ آنلاین استقبال نکرده بودند، هم این اتفاق را مناسب نمی‌دانستند و از آن رضایت نداشتند و هم تمایل نداشتند که از اسلام‌شهر به تهران بیایند و در مراسم شرکت کنند: «من و یکی دیگر از همکاران در سرای محله نشستیم و در تمام مدت ۴۵ دقیقه‌ای که مراسم برگزار شد گریه کردیم. مثل مراسم ختم در مسجد. دو نفر بیشتر در مراسم سوگ حضور پیدا نکردیم و حتی اعضای خانواده مرحوم ترجیح دادند از اینترنت مراسم را ببینند.» او که بعد از مراسم با خانواده درجه یک متوفی در ارتباط بوده می‌گوید آنها و دوستان مرحوم در لایو اینستاگرام مراسم را زنده تماشا کرده بودند و از آن رضایت داشتند.

استقبال کم برای سوگواری آنلاین

بهرغم حرف‌های علی اما استقبال از برگزاری مراسم سوگ آنلاین آنچنان که باید پرتعداد نبود. در هر منطقه شاید چند خانواده خواسته بودند که برای عزیزان‌شان مراسم سوگواری اینترنتی برگزار شود: «از روز اولی که کار سوگ آنلاین را شروع کردیم تصور می‌کردیم به دلیل مسائل فرهنگی آنچنان که باید از مراسم استقبال نشود.» اینها را قربانی می‌گوید. او معتقد است که سوگ آنلاین در خانواده‌های ایرانی مسأله جا افتاده‌ای نیست و فرهنگ ما سوگواری جمعی را پذیرفته نه مراسم چند نفره‌ای که در اینترنت برگزار می‌شود. او در میانه‌های صحبتش به رایگان بودن این مراسم هم اشاره می‌کند اما این مسأله هم برای بسیاری از خانواده‌هایی که عزیز کرونایی یا غیرکرونایی داشتند توجیهی برای سوگ آنلاین نشده. «در بیشتر مناطق شهرداری تهران مواردی از این سوگ آنلاین برگزار شد؛ تمام هزینه‌ها اعم از حضور مداح و قاری و سخنران را هم خود شهرداری پرداخت کرد، مگر در مواردی خاص که خانواده اصراری بر حضور سخنرانی خاص در مراسم داشت.» او می‌گوید مراسم عمدتاً در مساجد یا سراهای محله‌ای برگزار می‌شد که بتوان در آن اینترنت را هم تأمین کرد. «درباره ادامه این فرآیند سوگواری آنلاین همه چیز به نظر ستاد ملی مقابله با کرونا بستگی دارد، اگر محدودیت‌ها سخت‌تر شود، احتمال تداوم این مراسم هم وجود دارد.»

می‌گویند خاک سرد است. این قدر سرد که داغ عزیز را هم سرد می‌کند. اما شاید سردی خاک برای آنها که در روزگار کرونا رفتند، سخت‌تر عمل کند. سختی که به نظر می‌رسد سوگ آنلاین هم چاره‌ای برایش نبود. □